

میترا کاظمی کرد آسیایی
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

چکیده:

مشارکت، همواره یکی از ابزارهای مهم زندگی انسانها بوده است. ادیان الهی و مذاهب گوناگون، مشارکت را زمینه‌ای برای کوشش‌های عبادی و سیاسی پیروان خود می‌دانند و آن را به مانند نوعی ابزار نیرومند اداری و سیاسی می‌پذیرند.

مشارکت اولیای دانش‌آموزان در امور مدرسه باعث سوق یافتن امکانات معنوی، علمی، آموزشی و تربیتی و مالی جامعه به سمت مدارس می‌گردد. در پرتو چنین رویدادی نیروهای انسانی خلاق، ماهر و متخصص به نحو مطلوب پرورش می‌یابند.

مردم به شکل‌های مختلف می‌توانند در تعلیم و تربیت فرزندان خود مشارکت کنند، نظیر: کمک به شناخت ویژگی‌های روانی دانش‌آموزان، بررسی نارسایی‌های آموزشی و کمک به برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی و کمک به شناخت علل رفتارها و اصلاح آن‌ها.

مدیر مدرسه در جلب مشارکت اولیا نقشی مهم بر عهده دارد. در حقیقت حلقه اتصال بین مدرسه و حرکت مردمی، مدیریت مطلوب است.

با توجه به اهمیت مشارکت والدین در امور مدرسه، در این مقاله به بررسی مشارکت و فعالیت‌های اولیا، زمینه‌های همکاری خانه و مدرسه و نقش مدیر در جلب همکاری اولیا می‌پردازیم.

مشارکت والدین
مشارکت والدین
راه‌های جلب مشارکت والدین
مشارکت والدین
مشارکت والدین
مشارکت والدین
مشارکت والدین
مشارکت والدین
مشارکت والدین
مشارکت والدین

مقدمه:

مدرسه، یکی از نهادهای تربیتی و آموزشی مهم است که نیازمند مشارکت اولیای دانش آموزان و دیگر سازمان‌هاست. شماری از نظریه پردازان بر این باورند که بیش تر کارهای مردم در سراسر جهان بر محور مشارکت می‌گردد و جلب همکاری خانواده نیز از عوامل لازم مدیریت آموزشی است.

مشارکت اولیا در فعالیت‌های مدرسه

در برخی از کشورهای پیشرفته اولیا به سیاست و طرز کار مدارس علاقه مند شده‌اند، زیرا فهمیده‌اند که اصل عمده تشکیل نظام آموزشی، مشارکت است و به طور فعالانه در انتخاب و تنظیم برنامه، تعیین روش تدریس، درجه تمرکز یا توزیع، ضابطه و ملاک ارزشیابی دخالت دارند. به طور خلاصه می‌توان گفت که نظام آموزش و پرورش می‌تواند

کارهای مردم در سراسر جهان

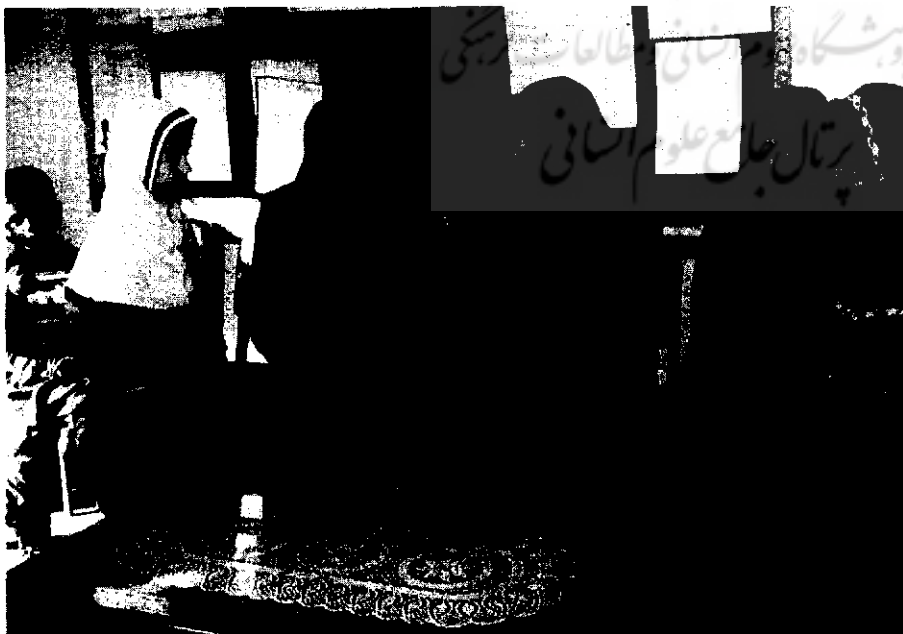
بر محور مشارکت می‌گردد و جلب همکاری خانواده

نیز از عوامل لازم مدیریت آموزشی است.

نقش محدود یا بسیار مهم و قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. آموزش و پرورش می‌تواند به تکرار مجموعه‌ای از تجربیات سازمانی و طرح‌ریزی شده محدود شود یا بر عکس در مقام حکمی قرار گیرد که برای قضاوت و ارزشیابی نتایج و هدف‌های حاصل از اجرای برنامه‌های نظام آموزشی در صحنه اجتماع به کار رود. مشارکت اولیا در تنظیم

خانواده با ارائه بسیاری از اطلاعات مربوط به ویژگی‌های رفتاری کودکان و نوجوانان می‌تواند در جهت شناخت مسائل تربیتی و چاره‌جویی آن‌ها، مدرسه را به صورتی بسیار مؤثریاری دهد. مشارکت واقعی زمانی پدید می‌آید که مردم از نظر ذهنی و عاطفی درگیر شوند و به اندیشه‌ها و عواطف آنان توجه کافی مبذول گردد. بی‌گمان هرگاه مردم

بسیاری در فراگرد تصمیم‌گیری مشارکت کنند، راه‌های انتخاب گسترده‌تر می‌شود و پیامد آن به یقین نیکوتر خواهد بود. به همین دلیل، بسیاری از صاحب‌نظران، معتقدند مشارکت در امر آموزش و پرورش نقش بنیادی دارد. اگر مدیر آموزشی بتواند باور و نگرش مثبت در والدین دانش‌آموزان ایجاد کند و همکاری آنان را در امور آموزشی و تربیتی جلب نماید، رابطه میان مدرسه و والدین نیز بهبود می‌یابد (صفوی، ۱۳۷۷، ص ۲۸).



برنامه‌های آموزشی به‌طور کلی بر مبنای حق یا قدرت استوار است. نتایج تحقیق و بررسی ظاهری نشان می‌دهد که مدارس موجود از لحاظ سازمانی وضع خوبی ندارند و نمی‌توانند از منافع خویش دفاع کنند، بنابراین هر گونه انتقاد و عدم رضایت از وضع آموزشی ممکن است چندان به صلاح دست‌اندرکاران فعلی نباشد.

با توجه به این موضوع و نقص سازمانی مدارس، هر

پایین‌تر مورد بحث قرار داده‌اند. بر طبق گزارش «پلودن» درباره مدارس ابتدایی کشور انگلستان، در آن جا اطفال شش ساله در تنظیم برنامه خویش شرکت دارند. امروزه بعید به نظر می‌رسد که از خود سؤال کنیم: آیا اولیا بلوغ کافی برای شرکت در امور مربوط به خویش را دارا هستند؟ (کجل، ۱۳۵۴، ص ۴۵).

عده‌ای را اعتقاد بر این است که حتی اولیای بیسواد نیز

اگر مدیر آموزشی بتواند باور و نگرش مثبت در والدین دانش‌آموزان ایجاد کند و همکاری آنان را در امور آموزشی و تربیتی جلب نماید، رابطه میان مدرسه و والدین نیز بهبود می‌یابد

انتقادی که در مورد کیفیت آموزشی یا محتوای برنامه‌های تحصیلی مطرح می‌شود، خواه یا ناخواه به عدم صلاحیت مقامات مسئول تعبیر می‌شود. انتقاداتی که «روسو» در کتاب «امیل» از نظام آموزشی به عمل آورده و بعداً به وسیله «فونیه» و آموزش و پرورش جدید به صورت علمی عرضه شده‌اند، از دیر زمان موضوع «مشارکت دانش‌آموزان» را در مراحل

توان مشارکت در فعالیت‌های آموزش و پرورش را خواهند داشت، چرا که همه اولیا، صاحب قوه تفکرند و به فرزندان خود نیز علاقه‌مندند.

«طوسی» به عمده‌ترین مسائل و مشکلات مدیران آموزشی که همانا گله از کار اداری پاسخ به آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها بدون توجه به نیازهای منطقه‌ای، کارهای ریز مدرسه، شرکت در جلسات مدرسه و صرف وقت در امور بایگانی، دفترداری و حسابداری است، به عنوان یافته‌های حاصل از تحقیق اشاره می‌کند. (طوسی و بازرگان، ۱۳۷۳، ص ۱۷)

در زیمبابوه، مشارکت مردم و دولت هم در مدارس دولتی و هم در مدارس تحت حمایت دولت مشاهده می‌شود. برای مثال، کلیه مقامات محلی و والدین، مدارس دولتی را که شامل ۵/۸ درصد کل مدارس ابتدایی کشور می‌شود، از محل منابع خود احداث کرده‌اند.





زمینه ورود نهادهای مردمی و اجتماعی در امر آموزش و پرورش است. مشارکت‌ها و فعالیت‌هایی که تاکنون در امر آموزش و پرورش صورت گرفته است، لازم، اما ناکافی بوده است. با توجه به عمق و وسعت فاجعه رشد جمعیت و محدودیت منابع برای ارائه آموزش که مشارکت همگانی را به دنبال داشته باشد و به توسعه پایدار منجر گردد، باید طرح‌های نو و تازه‌ای ریخته شود (عربی نژاد، اصلانی، ۱۳۷۴، ص ۲۳).

رابطه خانه و مدرسه آن چنان مثل جسم و جان در هم تنیده است که هرگونه ضعف، سستی و نقصان در هر کدام، دیگری را به سختی متأثر می‌سازد و سلامت هر یک تضمین‌گر سلامت وجود دیگری است (افروز، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

بهترین مشارکت خانواده در ارتقای آموزش و پرورش دانش‌آموزان، نظارتی است که والدین در مورد فرزندان خود از طریق برنامه‌ریزی صحیح، کنترل و نظارت همه جانبه، ایجاد امکانات مناسب آموزشی و تربیتی، همکاری و هماهنگی با برنامه‌های مدرسه باید داشته باشند (جهانگرد، ۱۳۷۵، ص ۱۸).

مردم به شکل‌های مختلف می‌توانند در امور تعلیم و تربیت فرزندان خویش مشارکت کنند و این نهاد بزرگ و فراگیر را یاری دهند، مانند: اهدای زمین، ساخت فضای آموزشی، ساخت نمازخانه و کتابخانه، اهدای کمک مالی، شرکت فعال در برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدرسه، تبادل نظر نزدیک و مستمر با اولیای مدرسه برای دستیابی به

دولت نیز مسئول مواردی چون نگه‌داری و تعمیر منظم تأسیسات و محوطه مدارس، پرداخت حقوق معلمان و کارکنان، تهیه اثاثیه مدرسه، تجهیزات، کتاب‌های درسی و سایر مواد آموزشی و پرداخت هزینه‌های جاری نظیر آب و برق و خدمات پستی است. اگرچه پرداخت شهریه در کلیه مدارس ابتدایی زیمباوه اختیاری است، اما رئیس هر مدرسه دولتی ملزم به ایجاد یک صندوق پولی عمومی برای اجرای فعالیت‌های فوق برنامه و ایجاد تسهیلات جدید و نیز جمع‌آوری وجوه به منظور پشتیبانی از این صندوق است. میزان شهریه مدارس در محدوده‌ای نوسان دارد که بر اساس نیازهای مدرسه و توان پرداخت والدین تعیین می‌شود.

بدیهی است هنگامی که منافع مورد انتظار آموزش بر میزان هزینه‌ها برتری داشته باشد، جوامع محلی نیز از مدارس خود پشتیبانی خواهند کرد. بهبود کیفیت آموزشی سبب افزایش منافع ناشی از آموزش در این معادله خواهد شد. اما در کوتاه مدت، با این تصور که مدیریت مدرسه فعالانه برای بهبود کیفیت آموزش تلاش می‌کند و نیز با ایجاد سازوکارهایی که به سازمان‌های جامعه محلی امکان مشارکت در امور مدرسه را می‌دهد، می‌توان نوع پشتیبانی و کمک‌های محلی را برحسب میزان پاسخ‌گویی مدارس به علایق و نیازهای جامعه تعیین کرد. (لاکهد و رسپور، ۱۳۷۱، ص ۳۱۴-۳۱۶)

زمینه‌های همکاری خانه و مدرسه

لازمه مشارکت همه جانبه یک جامعه، به وجود آمدن

مردم به شکل‌های مختلف می‌توانند در امور تعلیم و تربیت فرزندان خویش مشارکت کنند و این نهاد بزرگ و فراگیر را یاری دهند.

کمک کنند.

۶- کمک به شناخت، درک و رفع مشکلات معلمان و کارکنان: شغل معلمی و تدریس نیاز به آرامش فکری دارد. اولیای علاقه‌مند می‌توانند با شناسایی مشکلات و گرفتاری‌های معلمان به حل آن‌ها کمک کنند.

۷- کمک به تشریح و توضیح پیشرفت‌ها، موفقیت‌ها و برنامه‌های مدرسه در سطح جامعه: اولیا می‌توانند مبلغان خوبی برای مدرسه باشند و برنامه‌ها، خدمات و پیشرفت‌های مدرسه را به اطلاع مردم برسانند.

۸- کمک به شناخت علل رفتارها و اصلاح آن‌ها: نوجوانان و جوانان در معرض خطرهای اجتماعی، اخلاقی و روانی قرار دارند. آن‌ها هم چنین ممکن است دچار مشکلات مربوط به رشد جسمی، روانی و بلوغ شوند. برای جلوگیری از هرگونه انحراف و بیماری باید اولیا و مدیریت مدرسه در تماس مستمر باشند (میرکمالی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۹-۱۷۸).

نقش مدیر در جلب مشارکت اولیا در امور مدرسه

مدرسه یک سیستم اجتماعی است که درون فرا سیستم قرار دارد و بنیادی‌ترین رکن نظام آموزشی است. سیستم موجود در جامعه تأثیر مستقیم روی سیستم آموزشی و نهایتاً مدرسه دارد. عناصر درون سیستم مدرسه همانند دانش‌آموزان، طی فرایند آموزش و تدریس و غیره به صورت یک فارغ‌التحصیل وارد جامعه می‌شوند، نیاز جوامع را به صورت نیروهای فعال رفع می‌نمایند و از آن طرف تحت

بهترین و مطلوب‌ترین روش‌های آموزشی و تربیتی، وقف و وصیت برای هدیه کردن اموال توانگران به آموزش و پرورش. (عصاره، ۱۳۷۶، ص ۱۵)

در این قسمت، زمینه‌های همکاری خانه و مدرسه به‌طور خلاصه بیان می‌شود:

۱- کمک به شناخت ویژگی‌های روانی، جسمانی، اخلاقی و رفتاری، استعدادها، ناراحتی‌ها و مشکلات دانش‌آموزان: به‌طور معمول، اولیا می‌توانند اطلاعات لازم و مطمئنی درباره‌ی فرزندان خود به مدرسه بدهند. شناخت ویژگی‌های مختلف دانش‌آموزان سبب تسهیل شناخت، تصمیم‌گیری و حل مشکلات، هدایت و اصلاح رفتار آن‌ها می‌شود.

۲- بررسی نارسایی‌های آموزشی و اشکالات کار دانش‌آموزان در یادگیری درسی، رفتار و پیشرفت تحصیلی: عده‌ای از اولیا می‌توانند با توجه به تخصص و تجربه خود، به مسائل و مشکلات مدرسه پی ببرند و به مدیر تذکر بدهند.

۳- کمک به شناخت، بررسی و ارزیابی روش‌های آموزشی.

۴- کمک به بررسی امکانات، تنگناها و مشکلات مدرسه و امکان توسعه وسایل و روش‌ها.

۵- کمک به برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی: عده‌ای از اولیا از بهترین استادان به شمار می‌آیند و می‌توانند در امور برنامه‌ریزی درسی به مدیریت مدرسه

تأثیر ارزش‌های حاکم بر جامعه می‌باشند. شناخت تمامی عناصر تأثیرگذار بر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان (چه آن‌هایی که درون محیط آموزشی اند و چه عناصر بیرونی تأثیرگذار بر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان) بسیار مهم است (جهانیان، ۱۳۷۸، ص ۹۹).

مهم‌ترین متغیر مستقل است که بسیاری از عوامل را می‌تواند در جهت بهبود وضع مدرسه با خود همراه کند، یا این که با ایفای نقش منفی خود مدرسه را در رکود و رخوت نگاه دارد (تیموری، ۱۳۷۷، ص ۵۰).
باید اضافه کرد که عدم شایستگی در مدیریت و اداره



پژوهش‌های علوم انسانی و رفتارشناسی
رساله جامع علوم انسانی

مدیر می‌تواند مدرسه را به عنوان یک مجموعه باز یا بسته نگه دارد. مدیری که مدرسه را به گونه‌ای اداره می‌کند که اولیای دانش‌آموزان می‌فهمند مدرسه چه می‌کند، هدف‌های آن چیست، چه عملیاتی در آن جریان دارد و چگونه آن عملیات صورت می‌گیرد؛ در واقع مشکلات و کاستی‌ها را در کنار نقاط قوت به اطلاع والدین می‌رساند. در حقیقت حلقه اتصال مطلوب و مؤثر بین تعلیم و تربیت و حرکت مردمی، مدیر مدرسه است. مدرسه قائم به مدیر است و مدیر قائم به برنامه و نقش آفرینی مدیریتی و شناخت مطلوب امکانات در کنار نیازهاست. بدون شک مدیر مدرسه

کشورهای جهان ناشی از ضعف مدیریت نظام آموزشی و به ویژه مدیریت مدرسه است. یکی از جامعه‌شناسان اشاره دارد که «اگر می‌خواهید حکومت مردم سالار داشته باشید، مدارس خود را با همین شیوه اداره کنید.» نقطه مشترک همه نظریه‌های مدیریت این است که حرکت به سوی آینده مستلزم تغییر و نوآوری در نظام آموزشی کشور و آن هم بسته به اصلاح ساختار مدیریت، به ویژه مدیریت مدرسه است (مرعشی، ۱۳۷۸، ص ۶).

اگر مردم بدانند که نظر آن‌ها در ارتباط با تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مورد احترام است، قطعاً به طور فعال در

اگر می خواهید حکومت مردم سالار داشته باشید، مدارس خود را با همین شیوه اداره کنید.» نقطه مشترک همه نظریه های مدیریت این است که حرکت به سوی آینده مستلزم تغییر و نوآوری در نظام آموزشی کشور و آن هم بسته به اصلاح ساختار مدیریت، به ویژه مدیریت مدرسه است.

کارها شرکت خواهند کرد و شاید بتوان گفت علت این که امروزه اولیا در امر آموزش و پرورش کم شرکت می کنند و رغبتی برای شرکت در کارهای مدرسه ندارند، دخالت کمی است که در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها دارند. هم چنین، گاهی مدیران آن ها را در موارد نادری، شامل مسائل مادی و مالی دخالت می دهند که همین امر باعث می شود اولیا وظایف خود را تنها در همین چهارچوب مادی بدانند. به علاوه والدین برای آگاهی از نحوه مشارکت در مدرسه باید آموزش ببینند و این آموزش باید از طریق مدیران آموزشی صورت گیرد. مدیران آموزشی نیز لزوماً باید از طریق مراجع ذی صلاح در شوراهای آموزش و پرورش مناطق در جریان نحوه بهره گیری از نیروی اولیا قرار بگیرند. این آموزش باید پیوسته و مداوم باشد و مدیران در جلسات اولیا و مربیان و همکاران، روش های بهره گیری از این نیرو را ارائه دهند (عربی نژاد، اصلانی، ۱۳۷۴، ص ۲۳).

بنابراین می توان گفت که موفقیت هر سیستم در رسیدن به هدف خود، به چگونگی مدیریت آن سیستم بستگی دارد. به بیان دیگر، امروزه سیستمی می تواند به عمر خود ادامه دهد و دارای بازده باشد که مدیریت قوی داشته باشد و زمانی می توانیم بگوییم مدیریت یک سیستم قوی است که تصمیم گیری آن براساس نظر خواهی از همه اعضای سیستم باشد. مدیر آموزشی به عنوان عامل اصلی ارتباط بین مردم و مدرسه باید به نیروی عظیم اولیا ایمان داشته باشد و آن ها را در همه تصمیم گیری ها شرکت دهد، فرهنگ و روحیه اولیا را بشناسد و بر اساس نقاط ضعف، توانایی ها و محدودیت ها با آنان برخورد کند.

منابع:

- افروز، غلامعلی: «رابطه خانواده ها و مدرسه ها»، نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی پیوند، تهران ۱۳۷۰.
- تیموری، کاوه: «فصل طلایی مشارکت»، نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی پیوند، شماره ۲۳۱، تهران ۱۳۷۷.
- جهانیان، رمضان: «گزارشی از کارگاه آموزشی مدیران منتخب مدارس شهرستان تهران»، فصل نامه مدیریت در آموزش و پرورش، دوره ششم، شماره ۲۱، تهران ۱۳۷۸.
- جهانگرد، بدالله: «روش های مشارکت مطلوب نهادهای اجتماعی»، فصل نامه مشارکت، شماره ۷، تهران ۱۳۷۵.
- صفوی، امان الله: «حلقه مفقوده رابطه والدین با مدرسه»، فصل نامه مدیریت در آموزش و پرورش، دوره پنجم، شماره ۱۹ و ۱۸، تهران ۱۳۷۷.
- طوسی، محمد علی و بازرگان، زهرا: «سمینار در آموزش و پرورش»، جزوه درسی منتشر شده دوره کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، تهران ۱۳۷۳.
- عصاره، علیرضا: «راه های عملی مشارکت مردم در آموزش و پرورش»، مجله فرهنگ مشارکت، شماره ۲۱ و ۲۰، تهران ۱۳۷۸.
- لاکهید و رسیپور: توسعه کمی در آموزش ابتدایی در کشورهای در حال توسعه، مترجمان: سجادیه و هنجی، انتشارات مدرسه، تهران ۱۳۷۱.
- میرکمالی، سید محمد: رفتار و روابط در سازمان و مدیریت، انتشارات رامین، تهران ۱۳۷۸.
- عربی نژاد، غلامرضا و اصلانی، زهرا: «مشارکت نهادهای مردمی و اجتماعی در امر آموزش و پرورش»، فصل نامه فرهنگ مشارکت، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، شماره ۴ و ۳، تهران ۱۳۷۴.
- کجیل، اید: «مشارکت و برنامه ریزی در نظام آموزشی»، مترجم: احمد قاسمی، نمای تربیتی، شماره ۲، تهران ۱۳۵۴.